

گزارش سفر به اوکراین (جشنواره فرهنگی-هنری-ورزشی Artek)

July 16th - August 5th 2009

تدوین و نگارش: زهرا صالحی

به دنبال دعوت بخش آموزش کمیسیون ملی یونسکو در ایران در ارتباط با شرکت در فستیوال Artek و فرصتی که با زحمات بیدریغ سرکار خانم دکتر محب حسینی ریاست محترم این بخش برای ما مهیا شد، در بامداد یکشنبه ۱۹ جولای از فرودگاه امام خمینی به مقصد استانبول و با پروازی دیگر به مقصد اوکراین و شهر ساحلی Simferopol حرکت کردیم، پنج تن از دانش آموزان از دبیرستان شهید مهدوی و چهار تن از مدرسه ایمان برای شرکت در این جشنواره انتخاب و در این سفر با من همراه بودند و یک نفر از طرف روابط بین الملل آموزش و پرورش. بعد از پشت سر گذاشتن راهی طولانی به محل برگزاری فستیوال رسیدیم که یک کمپ زیبا و دیدنی در نقطه ای سبز و خرم، در جزیره Crimea بود. دور تا دور منطقه Artek به وسیله نیروهای پلیس حفاظت می شد. بچه های ایران با ۲ دانش آموز از ویتنام و ۱ نفر از نیجریه هم اتاق شدند. از ۵۴ کشور دنیا (ایران - ویتنام - بلغارستان - آمریکا - کانادا - دانمارک - نیجریه - بحرین - لبنان - استونیا - قرقیزستان - انگلستان - سوئد - روسیه - تاتارستان - مجارستان - فنلاند - یونان - کوبا - سوریه - فرانسه - ایتالیا - اردن - لاتویا - لیتونیا - فلسطین - رومانی - مولدوا - لیبی - اسرائیل - هند - جورجیا - مغولستان - بلاروس - جمهوری چک - هلند - الجزیره - ترکیه - موریتانی - تونس - چین - ترکمنستان - آلمان - آذربایجان - تایلند - گرجستان - ارمنستان - استرالیا - عراق - پولند - جورجیا - استونیا - امارات - قزاقستان) و چیزی حدود ۷۰۰ دانش آموز با مربیان خود در این جشنواره شرکت کرده بودند، جمع بسیار عظیم و غریبی بود از چهار گوشه دنیا با فرهنگ ، زبان و رنگهای متفاوت، ولی با نوعی همدلی و همداستانی برای رسیدن به محبت و صلح و تفاهم و احترام متقابل.



هر روز به چند کشور اختصاص یافته بود تحت عنوان «National day»، که کشورهای مشخص شده در آن روز صبح مراسم «Flag – Hoisting Ceremony» و ارائه برنامه های مخصوص خود را بر عهده داشتند. بعد از ظهر هر روز در ساعاتی مشخص، «National Cultures Fair» یا برگزاری نمایشگاه ملی آن کشورها بود. برنامه های روزانه شامل ورزش صبحگاهی، شرکت بچه ها در کلوپ های مورد علاقه شان (ورزشی - هنری) می گردید مثل بسکتبال - پینگ پنگ - والیبال - عروسک سازی - نقاشی - گلدوزی و موسیقی که به Hobby – Club معروف بود، همچنین جلسه مربیان با مسئولین آرتک، برنامه های علمی - فرهنگی و تبادل

نظرفرهنگی و تهیه برنامه های روز بعد. در شب میهمانی لیدرها، یک میز چیدیم با قرار دادن شیرینی های خاص ایران و یک جعبه بزرگ صنایع دستی پر از CD و بروشورهای مربوط به ایران شناسی، مدارس ایران، کوله پستی های تبلیغاتی، بولتن و بروشور در باره فرهنگ ایرانی ملی مذهبی خودمان و به مدعوین هدیه کردیم یک مسابقه هم که شامل سؤالاتی درباره جغرافیا و صنایع دستی مشهور ایران بود طرح کردیم و به برندگان جایزه دادیم که برای میهمانها خیلی جذاب بود. در این روز یک Discussion club مهم هم داشتیم با کشورهای دیگر، با موضوع «We make the world better» که توسط مربیان و مسئولین برگزار شد. بچه ها هم یک مسابقه ورزشی داشتند. بعد از ظهر جلسه Present کشور ایران بود که در مورد فعالیت های علمی فرهنگی مدارس ایران، با کمک CD، فیلم و Power point صحبت کردیم و نیز معرفی ایران، اماکن علمی فرهنگی، بناهای تاریخی، طبیعت ایران، آداب و رسوم و لباسهای محلی که بسیار مورد توجه و تحسین قرار گرفت. بعد از شام Festival Walks Around Artek بود، یک راهپیمائی در دل جنگل، هر گروه با یک لیدر اوکراینی و از مسیرهای مختلفی به راه افتادیم در طول مسیر با Stage های معما - سرگرمی - طناب کشی - تمرین هوش و ذکاوت - قدرت - سرعت عمل - گوش دادن فعال و تمرین های بسیار جالب دیگر مواجه شدیم. گروه های هنری در این روزها تمرینات سختی را انجام می دادند، بچه های ایرانی یک نمایشنامه زیبا و پر محتوا بنام « وطنم » به علاوه مسابقات خاص را با جدیت تمرین می کردند. یک Discussion clubs فوق العاده نیز برای مربیان کشورها داشتیم با عنوان Children Rights، با حضور نمایندگان مطبوعات کشورهای مختلف مستقر در کمپ و نیز رادیو تلویزیون اوکراین که درباره حقوق کودکان و جایگاه آن بحث و تبادل نظر به میان آمد. یک روز هم نمایندگان دانش آموزان در جلسه ای مشابه درباره حقوق کودکان بحث و صحبت کردند از ایران یکی از بچه ها را برای این جلسه معرفی و مطالب مورد بحث را از قبل آماده کردم. دانش آموزان ایرانی، در کلوپ عروسک سازی، مسابقات هنری، فعالیتهای ورزشی و موسیقی (نواختن پیانو) گواهینامه و دیپلم افتخار دریافت کردند. بازدید از شهر دیگری به نام Yalta با طبیعتی بکر و دریایی صاف و آرام، بازدید از موزه تاریخی این شهر و بازدید از باغ وحش نیز از برنامه های جالب توجه ما بود. روز ۲۷ جولای، روز بسیار مهمی برای ما بود چون روز ملی کشور ایران بود در این روز می بایستی پرچم کشور خود را به اهتزاز درآورده و سرود ملی خود را پخش کنیم و به دو یا سه زبان معرفی کشور، جغرافیا، دستاوردهای علمی- صنعتی، بناهای مهم، میراث فرهنگی و تاریخی کشور را انجام دهیم. ما به سه زبان فارسی - انگلیسی و فرانسه برنامه Presentation خود را انجام دادیم و بسیار هم جالب توجه بود. متن های مربوطه را از قبل تهیه و روی آن با بچه ها تمرین کردم. شب قبل حال و هوای خاصی داشتیم و تا پاسی از شب رفته با هم متن ها، حرکات نمایشی و ترتیب های خاص ایستادن را تمرین می کردیم. سرود جمهوری اسلامی و پرچم عزیز کشورمان را نیز از قبل به مسئولین Artek داده بودیم. صبح آئروز دل توی دلمان نبود و قلبمان برای لحظه بالا رفتن پرچم و شنیدن صدای سرود ملی مان به شدت می تپید. وقتی نوبت ایران رسید بچه ها نظام گرفتند و در آرایشی خاص ایستادند، آنگاه یکی از بچه ها جلو آمد و ابتدا به زبان فارسی صحبت کرد سپس عقب رفته و نفر بعد جلو آمد و به زبان فرانسه متن

سخنرانی را خواند و دیگری برای قرائت متن فارسی جلوی تریبون آمد. پس از آن بچه ها چرخیدند به سمت پرچم و برای بالا کشیدن پرچم آماده شدیم، بچه ها دست راستشان را روی قلبشان گذاشتند و سرود ملی ایران شروع به نواختن کرد. از هیجان نفس مان بند آمده بود و از اینکه در جمعی چنین بزرگ و با شکوه در بین نمایندگان ۵۴ کشور دنیا سرودمان نواخته می شد شادی و شغف بزرگی به ما دست داده بود. بعد از آن همه دست زدند و دوباره بجای خود ایستاده و بادکنک هایی که به هر دسته آنها پرچم کشور های مربوطه بسته شده بود توسط بچه ها در هوا رها شد. بعد یک کره بزرگ را با دستهای خود گرفته و شعار اصلی جشنواره را سر دادند : **We change the world for the better** ،



بعد از ظهر همان روز که لحظه طلایی مانور توانمندی و ارائه دستاوردهای فرهنگی - هنری کشورمان ایران بود برای ما از اهمیت ویژه ای برخوردار بود بعد از مراسم صبحگاه وسائل تهیه شده برای نمایشگاه از جمله صنایع دستی که از وسائل بسیار نفیس گرفته تا گردنبند و دستبند و نشان و وسائل ریز و درشت، شیرینی جات ایرانی، پسته در ظرفهای سفالی بسته بندی شده و با روبان و گلهای مصنوعی تزئین شده و بسیار زیبا، بروشورها، کتابچه ها ، پوسترهای فراوان بزرگ و کوچک ، بروشورهای معرفی ایران که رنگی چاپ کرده بودیم، CD های مختلف موزیک سنتی و پاورپوینت معرفی مراکز دیدنی، گردشگاهها ، بناهای تاریخی و غیره که به تعداد فراوان تهیه کرده بودیم، گواش، کاغذهای رنگی که از قبل به شکل های خاص برش داده بودیم و لباسهای محلی مان را برداشته و داخل چند چمدان بزرگ قرار داده و یکراست به سمت پارک Gorney رفته و در آنجا مستقر شدیم تا از صبح تدارک چیدن نمایشگاه مان را ببینیم. ما دو غرفه کنار هم قرار دادیم چون وسائلمان خیلی زیاد و کارهایی که می خواستیم ارائه دهیم متنوع بود ، پوسترهای ایرانشناسی بسیار نفیس را به اطراف غرفه نصب کردیم، میزها را قرار دادیم و صنایع دستی و وسائل مربوطه را روی آن چیدیم. صندوق چوبی صنایع دستی که با فلز طلایی روی آن کار شده بود، آئینه بزرگ با گونی و مهره ها و شیشه های رنگی بکار رفته در آن، سفره های قلم کار، قابهای خاتم که بته جقه های نقره ای در آن نقش بسته بود، سینی های چینی با طرح ناصرالدین شاه، جام بزرگ طلایی و نقره ای صنایع دستی، گردنبند و دستبند صنایع دستی ، کتابهای نفیس ایران شناسی با تصاویر بسیار زیبای رنگی به زبان انگلیسی ، کتاب اشعار حافظ به زبان انگلیسی، گلیم صنایع دستی و ظروف صنایع دستی، انواع شیرینی ها (گز - سوهان - باقلوا - شکلات و غیره) را در ظرفهایی چیدیم صندوق را پر از پسته کرده و پسته های بسته بندی را در کنار آن قرار دادیم، بچه ها لباسهای

محلی خود را پوشیدند و به هر کدام مسئولیتی سپرده شد. یک نفر مسئول مطرح کردن مسابقات و سرگرمی هائی بود که از قبل طراحی کرده بودیم و بابت آن جایزه می دادیم، یک نفر با گواش پرچم ایران را روی صورت یا دست داوطلبین نقاشی می کرد، یک نفر به دادن پوستر و بروشور و CD و توضیح در مورد آنها به مدعوین می پرداخت و یک نفر نام بازدیدکنندگان را با فونت فارسی روی کاغذهای رنگی می نوشت و با توضیح به آنها هدیه می کرد و یک نفر مسئول پذیرایی از افراد بود. من نیز با مسئولینی که از غرفه بازدید می کردند و نیز با سایر مراجعین صحبت کرده و درباره نمایشگاهمان، راجع به ایران و مدارس مان توضیح می دادم و همزمان CD ایران و و بروشور مربوط به آن را هدیه می کردم. شور و شغف وصف ناپذیری بود غرفه ایران آنقدر شلوغ و پر طرفدار شده بود که تقریباً تمام افراد به غرفه ایران هجوم آورده و بقیه جاها را خالی گذاشته بودند همه شگفت زده و انگشت بدهان می گفتند چنین نمایشگاهی پر بار و منحصر بفرد تا بحال ندیده بودیم آنها نمایشگاه را "Extraordinary" و "Perfect" قلمداد می کردند. تمام مسئولین آرتک از نمایشگاه ما دیدن کردند و بالاتفاق آن را بهترین و پر بارترین و موفق ترین نمایشگاه در هشت دوره جشنواره که در این هشت سال برگزار شده معرفی کردند و در پایان عنوان بهترین نمایشگاه سال را به نمایشگاه ایران اختصاص داده و آن را "First" معرفی کردند. خبرنگاران و عکاسان مدام از نمایشگاه، عکس و فیلم تهیه کرده و چند گروه نیز با بچه ها مصاحبه های مطبوعاتی انجام دادند. آنها نیز با شور و شغف از کشورشان ایران و مدارس محل تحصیلشان سخن می گفتند. در طرف دیگر در محل اجرای برنامه های هنری، بچه ها برای ارائه نمایش « وطنم » و ارائه حرکات نمایشی فولکوریک ایرانی به روی سن رفتند و همگان را به اعجاب واداشتند. ما تقریباً به همه شرکت کننده ها هدیه و یاد بود دادیم و در آخر به اتفاق بچه ها به محل Conference Hall رفته و در اتاق مسئولین حضور یافته و با تشکر و تقدیر از زحمات آنها هدایای نفیسی را به آنها تقدیم کردیم، در پایان وسائل را جمع و جور کرده و به کمپ بازگشتیم. روز بسیار سنگین، پر کار و طاقت فرسائی بود ما حتی برای ناهار یا شام به سلف سرویس نرفتیم و یکسره در تلاش و فعالیت بودیم اما آنقدر شیرینی و لذت برایمان بر جای گذاشته بود که سختی آنها اصلاً متوجه نشدیم و با لبخند رضایت و شادی نفس راحتی کشیده و روز را به پایان بردیم. من بچه ها را یکی یکی بغل کرده و می بوسیدم، ما به هم تبریک می گفتیم و خدا را شکر می کردیم از این که در قبال مسئولیت مان رو سفید و موفق بیرون آمده بودیم در یک جلسه خاص و مهم دیگر رئیس جمهور اوکراین، رئیس آرتک، معاونین رئیس جمهور، وزیر آموزش و پرورش و مسئولین دیگر شرکت جسته، از هر کشوری یک دانش آموز بعنوان نماینده به همراه مربی خود در دورتا دور میزی که طراحی شده بود نشسته و در حضور رئیس جمهور و مسئولین پروتکل صلح را امضاء کردند که یک نسخه از این پروتکل به مربی هر کشور داده شد. در این رابطه با صدا کردن نام کشور مربوطه، دانش آموز بر خاسته و با گفتن کلمه « بلی » به زبان ملی خود عملکرد سازمان یونسکو را در برگزاری فستیوال و اشاعه صلح تایید کردند. سایر بچه ها حاضر و ناظر بر اجرای این مراسم بودند. سپس سرود ملی آرتک نواخته شد و رئیس جمهور به همراه بچه ها به خواندن سرود و دست زدن پرداخته و در پایان عکس دسته جمعی با مسئولین گرفته شد. ۳۱ جولای که روز صلح یا Peace day نام

گرفته بود روزی بسیار مهم و خاص در جشنواره آرتک بود. مراسم رژه ی کشورها با لباس محلی و با در دست داشتن پرچم کشور مربوطه در محل **Fire- square of lesnoy camp** آغاز شد. در این مراسم ، رئیس جمهور اوکراین و تمامی دست اندرکاران این فستیوال بزرگ بعلاوه شرکت کنندگان حضور داشتند. همه برای برقراری صلح در جهان، و اشاعه فرهنگ مهرورزی و دوستی و پرهیز از نزاع و وحدت میان انسانها و نیز برقراری انسانیت ، فریاد صلح و دوستی سر دادند و مقاله ها و خطابه هایی در این زمینه ارائه کردند . تاکید مسئولین بر این بود که نقش نوجوانان و جوانان و نیز فرهیختگان و اهل علم برای برقراری صلح در جهان و نیز تغییر خط مشی جهان به شکلی زیباتر ، نقشی بسیار عظیم و تأثیر گذار است که نمی توان آن را نادیده گرفت، لذا برگزاری چنین تشکل هایی که حضور نمایندگان جوانان و فرهیختگان از سراسر جهان را در بر دارد، امری بسیار ضروری و کارساز است. ما با کوله باری پر از خاطره های ناب از نودوستی ، وحدت و یکپارچگی و مودت و هم چنین با تجربیاتی پر بار که شاید در هر جایی نمی توانستیم به آن دست یابیم، به سوی وطن عزیزمان باز می گشتیم . ما در این سفر نتایج فعالیت های تحقیقاتی و پژوهشی دانش آموزانمان را در زمینه های مختلف فرهنگی - هنری - آموزشی - مذهبی ، به سایر کشورها ارائه دادیم . آنان را با سخنرانی ها و **Present** های مختلف و با ارائه **power point** های متنوع و گویا در مورد ایران، زیباییهای آن ، تمدن ، فرهنگ و آداب و رسوم، پیشرفت های علمی و دستاوردهای صنعتی، دیدگاههای دینی و اعتقادی، بناهای زیبا و معماریهای عظیم و شگفت انگیز ایرانی و پوشش، و حتی غذاهای ایرانی آشنا کردیم . کشورهای دیگر پس از این شناخت همه جانبه در مورد ایران به وجد آمده و سر از پا نمی شناختند و گاه با ناباوری و شگفتی تمام می گفتند *ما واقعا تا اکنون نمی دانستیم/ایران چنین جایی است !!* و ایرانیان چنین مردمانی هستند و اکنون از شدت تحیر فقط می توانیم بگوییم : **Wonderful** ... از طرف دیگر ما و دانش آموزان با فرهنگ و تمدن و برنامه های ملی و مذهبی سایر کشورها آشنا شده و این ارتباط دو طرفه خود نوعی همدلی آشکار را بوجود آورد. ارتقاء سطح علمی و فرهنگی دانش آموزان و نیز ایجاد تفکر و خلاقیت در آنها و گرفتن ایده های نو و کاربرد آنها در سطوح مختلف از دیگر دستاوردهایی بود که به آنها رسیدیم و از سوی دیگر جایگاه فرهنگی و آموزشی دانش آموزان ایران و مریبان آنها در بین سایر کشورها بخوبی تعیین و تثبیت شد.



سفرهایی از این دست کاملا ضروری می نماید چرا که گامی بزرگ در جهت همبستگی فرهنگی بین دانش آموزان کشورهای مختلف بوده و رقابت علمی - فرهنگی در سطوح بین المللی را ایجاد می نماید و بعضا کیفیت

برتر علمی - فرهنگی ما را آشکار می سازد، هم چنین قابلیت های ایران اسلامی به سایر کشورها معرفی می گردد. نتایج بسیار جالب و مهمی که در این سفر عاید ما شد عبارت بودند از :

۱- مشاهده پیشرفت های علمی - آموزشی کشورهای مختلف به صورت دید و بازدید علمی که منجر به ایجاد حس رقابت سازنده در بچه ها گشت . ۲- کسب مهارت هایی مانند فعالیت های گروهی و حس مسئولیت پذیری ۳- کسب تجربه و امکان شناخت و ارزیابی قدرت علمی فرد در گروه . ۴- بالا بردن اعتماد به نفس در دانش آموزان .

طبق آنچه که در پروتکل برگزاری فستیوال آمده بود ، از اهداف جشنواره ایجاد اصول بردباری ، تساوی حقوق ، آموختن مهارت های زندگی و جمع کردن کودکان با عقاید و مذاهب و ملیت های گوناگون در یک محیط با فرهنگ های متنوع و ایجاد همراهی در میان آنان بود که تا حد زیادی این هدف تحقق پیدا کرد . از طرف دیگر با برگزاری چنین جشنواره هایی توجه جامعه جهانی به وضعیت کودکان در دنیا و حقوق آنان جلب شده ، فرصتی برای بهبود و پیشرفت وضعیت آنها را به وجود می آورد، هم چنین شرایطی مناسب را برای کودکان ایجاد می کند تا عقاید و افکار خود را در مورد بشریت و خلق دنیایی سرشار از صلح و دوستی و فاقد خشونت و دشمنی ارائه دهند که این خود آرمان کوچکی نیست . ایجاد رابطه های صمیمی ، ایجاد فرهنگ ارتباطی ، تفکر ، مطالعه عمیق در فرهنگ و آداب و رسوم گوناگون ، ارتقاء ابتکار و خلاقیت ، تماس مثبت بین کودکان از طریق شرکت در بحث ها ، نمایشگاهها ، مسابقات و کلوپ های کار آموزی از دیگر اهداف متعالی، پسندیده و قابل احترام این جشنواره بود .

